

## عوامل موثر در شخصیت افراد بزهکار و ارتباط آن با جرم<sup>۱</sup>

فاطمه رادمهریان<sup>۲</sup>

### چکیده:

با ارتکاب جرایم سوالی که ذهن هر فردی را مشغول می سازد این است که انسانهای بزهکار دارای چه شخصیت ها و ویژگی هایی می باشند نگارنده جهت پاسخ به سوال مطروحه با رجوع به منابع فقهی، حقوقی و روانشناسی به این نتیجه دست یافته است که برخی بزهکاران با داشتن شخصیت های خاص مستعد ارتکاب جرم می باشند. با پیشرفت علوم برخی از دانشمندان علل وقوع چنین ناهنجاری ها را نقص شخصیتی موجود را افراد قلمداد کرده و معتقدند چنین افرادی از قابلیت ارتکاب جرم بالایی برخوردارند. حقوقدانان معتقدند که افراد با داشتن تیپ های شخصیتی مختلف تحت تاثیر عامل های اختلاف در شخصیت مرتکب جرایم مختلف می شوند. همچنین از منظر روانشناسان با تشخیص اینکه بعضی افراد دارای اختلالات روانی و شخصیتی بوده اند که این اختلالات در نتیجه عدم تعادل روانی و فکری شخص است افراد را به سوی ارتکاب جرم سوق می دهد. در نظر فقها هم افراد با داشتن شخصیت و ویژگی های نامتناسب و ناموزون و تحت تاثیر آن دست به ارتکاب جرایم می زنند.

**واژگان کلیدی:** شخصیت، بزهکار، جرم، حقوقی، روان شناسی

<sup>۱</sup> - دریافت: ۱۳۹۹/۱/۳۰ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۵

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، f.radmehrian@gmail.com

## مقدمه

در عصر حاضر شخصیت انسان ها مورد توجه شایانی قرار گرفته است. حتی خطرناک ترین مجرمین نظر جرم‌شناسان و روان شناسان و حتی فقها را به خود معطوف داشته و بر عکس ایام گذشته که به مجرم با دیده عناد می نگریستند و اجتماع آنان را مطرود و غیرقابل اصلاح می پنداشت امروزه شخصیت مجرمین نیز مانند سایر افراد عادی تحت مطالعه درآمده است.

جرم به منزله تخلف از قوانین اجرایی، عملی است که اکثر افراد جامعه آن را تأیید نمی کنند، مورد پیگرد قانونی قرار می گیرد و یکی از انواع مجازات های مشخص شده به وسیله قانون را در پی دارد. (ویلیافر، ۱۹۵۵، ص ۴۵)

عواملی که در ارتکاب جرم حائز اهمیت است شخصیت بزهکار است. بین شخصیت بزهکار در لحظه ارتکاب و شخصیت او که بتدریج تشکیل شده است همبستگی و ارتباط وجود دارد و بین جرم ارتکاب یافته و شخصیت مجرم رابطه و پیوستگی وجود دارد.

شخصیت آینه نمای رفتار آدمی بوده و رفتارهای انسان جهت و مفهوم می دهد خواستگاه جرایمی می باشد که براساس رفتارها و امیال افراد به وقوع می پیوندد. با پی بردن به شخصیت افراد، مسلم گردیده است که برخی از جرایم از شخصیت های خاصی ظاهر می گردد. (ستوده، ۱۳۸۱، ص ۲۸)

موضوع این پژوهش شخصیت و نقش آن بر وقوع جرم است به عبارت دیگر ارتباط میان رفتار فرد با شخصیت وی مورد بررسی قرار می گیرد.

### ۱- تعریف شخصیت

#### ۱-۱- از دیدگاه جرم شناسان

شخصیت از دیدگاه حقوقدانان شایستگی اعتباری دارا شدن حقوق و تکالیف را می گویند بنابراین شخصیت حقوقی عبارت است از صلاحیت و قابلیت که شارع با عقلا فرض و اعتبار کنند تا به موجب آن، صاحب آن صلاحیت بتواند از حقوق و تکالیفی برخوردار گردد. برای مثال وقتی می گوئیم

انسان دارای شخصیت حقوقی است منظور این است که از لحاظ حقوقی، او توانایی دارد که در اجتماع، صاحب حق و تکالیف شود و بتواند آنها را اجرا کند.

مرحوم کی نیا: «شخصیت هر فرد انسانی در برابر جرم واحدی واکنش مخصوص به خود را بروز می دهد که معرف شخصیت خاص اوست که این جنبه خاص او را از دیگران متمایز می کند.

کین برگ جرم شناس «شخصیت مجموعه ای از گرایش ها و استعدادهای تظاهر کننده فرد است» (کی نیا، مهدی، ۱۳۸۵، ص ۵۶)

## ۲-۱- از دیدگاه روانشناسان

شخصیت هر فرد عبارت است از کل خصایص بدنی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی اعم از موروثی یا اکتسابی که او را به طور آشکار از دیگران متمایز می کند.

## ۲- تعریف جرم

### ۱-۲- از دیدگاه جرم شناسان

نقض قانون مملکتی در اثر عمل خارجی در صورتی که انجام وظیفه و یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد جرم نامیده می شود. (قبله ای خوبی، خلیل، ۱۴۰۵، ص ۱۷۶)

حقوقدانان برای جرم تعریف های مختلفی ارائه داده اند. مهم ترین و جامع ترین آن ها این است. هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات یا اقدام های تأمینی در نظر گرفته شده است، جرم محسوب می شود که متن آن در قانون مجازات اسلامی آمده است.

دانشمندان مذهبی در تعریف جرم چون از عقاید دینی الهام می گیرند. و قانون را کتاب خدا و وحی الهی می دانند می گویند: جرم عبارت است از تزییع و تجاوز به حق الله و حق الناس، از این رو جرم در شرع، شامل مسایلی است که دارای مفاسد اجتماعی و مفاسد شخصی است. (قبله ای خوبی، خلیل، ۱۴۰۵، ص ۱۷۷)

محروم کینین اجرای حقوق کلیه کیفر اسلامی، تعریف به عمل آمده است، جرم یعنی مخالفت با اوامر و کسب و یا ارتکاب عملی که به تباهی فرد یا جامعه بیانجامد هر جرمی را کیفری است که شارع بدان تصریح کرده و یا اختیار آن را به ولی امر یا قاضی سپرده است.

در تعریف دیگر آمده است ارتکاب عمل ممنوع یا ترک واجب با ضمانت اجرای کیفری مقرر به وسیله قانون (الهی) با مقامات یا ارگان های عمومی صلاحیت دار. (کی نیا، مهدی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳) بر همین اساس در ماده دوم قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جرم عبارت است از: هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون، قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تامینی و تربیتی باشد، هیچ امری را نمی توان جرم دانست مگر آن که به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تامینی یا تربیتی تعیین شده باشد. (کی نیا، مهدی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳)

از تعاریف مزبور موارد زیر قابل استنتاج است:

۱- جرم همواره عمل خارجی است که گاهی به صورت فعل و گاهی با ترک فعل تحقق می یابد بنابراین (گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۱، ص ۱۶۰)

۲- میل به ارتکاب جرم و تصمیم بر آن تا وقتی که منتهی به عمل و فعل خارجی نشده باشد، جرم تلقی نمی شود. (گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۱، ص ۱۶۰)

۳- جرم عقیده ای وجود ندارد اما انتشار عقیده در مواردی جرم است. (گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۱، ص ۱۶۰)

۴- ارتکاب عمل ممنوعی که قانونگذار برای آن مجازات تعیین نموده در صورتی جرم است که مرتکب شونده بدون مجاوز قانونی و برخلاف حق اقدام کرده باشد. (گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۱، ص ۱۶۰) بنابراین ارتکاب عملی که قانوناً ممنوع و قابل مجازات است در مقام، استفاده از حق مثلاً دفاع مشروع یا اجرای مقررات قانونی مثل اطاعت از امر قانونی (مانند کسی که به دستور قاضی مجرمی را به قتل برساند یا شلاق بزند یا قصاص کند) جرم محسوب نمی شود. (گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۱، ص ۱۶۰)

اگر جرم بودن عملی یا ترک فعلی به ملاک قانون مدون باشد، بعضی از جرائم از قبیل خودکشی، غیبت، تهمت زدن، اهانت کردن، استمنا و خودارضایی، همچنین بازی و قمار چون قانون گذار در

قانون مجازات اسلامی، مجازاتی برای آن نیاورده، جرم نخواهد بود در حالی که بر اساس مبانی فقهی و فتوای فقها این گونه اعمال گناه و جرم است در هر صورت شاید بتوان گفت بهترین و جامع ترین تعریف جرم همان ماده دو قانون مجازات اسلامی که می گوید: « هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازاتی تعیین شده، جرم است» گرچه این تعریف شامل برخی از جرائم شرعی از قبیل استمناء، خودکشی و قمار نمی شود، ولی این تعریف نسبت به بقیه تعریف ها بهتر است. مقصود از جرم از نظر حقوقی، آن است که در قوانین کیفری و اجتماعی برای آن مجازات تعیین شده، اما جرم و گناه شرعی اعم از چیزهایی است که در دنیا یا آخرت برای آن مجازات تعیین شده است. (گلدوزیان ، ۱۳۹۱، ص ۱۶۳)

در سراسر فرهنگ واژگان حقوقی و جرم شناسی هیچ واژه ای از نظر معنی به پیچیدگی واژه جرم یا بزه وجود ندارد، چه بسیار افرادی که در برهه ای از زمان مجرم شناخته شده و در برهه ای دیگر به عنوان انسان های نیک سیرت از ایشان یاد می شود. ضمن اینکه برخی جرایم نیز وجود دارند که در تمام اعصار و مکان ها ثابتند و همیشه جرم تلقی می شده اند.

با این همه درک معنای این اصطلاح در بررسی وضع قانون و نقص آن و نیز در توجیه و ارزیابی مجازات از اهمیت بسزایی برخوردار است.

واژه جرم در لغت به معنای گناه، خطا، دنب، تعهدی، بزه، عصیان و معصیت است و در اصطلاح حقوقی هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده جرم نامیده می شود. جامعه شناسان نیز معتقدند که جرم پدیده طبیعی اجتماعی است و از فرهنگ و تمدن هر اجتماع ناشی می شود و هر عملی که وجدان عمومی را جریحه دار کند، جرم محسوب می شود.(شامبیاتی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۲-۱۱۰)

هر یک از جرم شناسان نیز به نوبه خود بر حسب روش، شغل و حرفه، موضوع مورد مطالعه، تخصص، ذوق و استعداد خود جرم را معنی و تفسیر کرده اند؛ بنابراین هنوز تعریفی که بتواند مورد قبول تمام جرم شناسان قرار بگیرد ارائه نشده است.(شامبیاتی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۳)

به هر حال از سوی جرم شناسان چند تعریف مشخص از جرم ارائه شده که فهرست وار به آنها اشاره می شود. (شامبیاتی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۳)

جرم تجاوز به حق و وظیفه است؛ (تارد ماکسول)

جرم عملی قابل مجازات است؛

جرم عملی بر خلاف قانون است؛

جرم عملی خلاف قانون و اخلاق است؛

جرم عملی ضد اجتماعی است؛

جرم لطمه به وجدان و اخلاق است؛

برخی مانند منتسکیو جرم را به جرم علیه مذهب، علیه اخلاق، علیه آرامش عمومی و علیه امنیت تقسیم می کنند. دکتر مظلومان نیز در تعریفی عجب جرم را اینگونه تعریف می کند «جرم عمل یا خودداری از عملی است که طبقه روشن فکر جامعه آن را عامل آشفتگی در نظم و هماهنگی اجتماعی محسوب کند و برخلاف موازین اخلاقی بداند و آسیبی به احساسات و وجدان به شمار آورد» (شامیاتی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۲-۱۱۰)

## ۲-۲- از دیدگاه روانشناسان

روانشناسی؛ تمام عرصه های زندگی انسان، قبل از تولد، بعد از تولد، در جریان زندگی و تا آخرین لحظات حیات اجتماعی را مطالعه می کند. همچنین در شناخت پدیده های جرم، ناهنجاری های اجتماعی و اخلاقی، روانشناسی با مکانیزم و روند خاص، می تواند تحلیل، ارزیابی و جلوگیری نماید. (شاملو، ۱۳۸۲، ص ۵۲)

روانشناسی؛ جرم را عملی می داند که نظم اجتماع را به هم می زند و مجرم کسی است که عملاً مرتکب جرم می شود، و دست خود را به این پدیده آلوده می سازد. خداوند انسان را خلیفه، جانشین، امانتدار، صاحب اراده، اختیار و دارای عقل و اندیشه که همه چیز را تحلیل و ارزیابی نماید، ولی انسان در دوره های مختلف تاریخ که تحت تاثیر احساسات خویش، قرار گرفته، در یک دوره از زندگی دست به جرم و جنایت می زند. (شاملو، ۱۳۸۲، ص ۵۲)

پدیده جرم ریشه های عمیق و تاریخی دارد و واژه «جرم» را دانشمند فرانسوی به نام توپی نارد اولین بار در مطالعات و تحقیقات روانشناختی خود به کار بست و پس از آن دانشمندان دیگری با

نظریات مختلف وارد صحنه های جنایی شدند و کار خود را با پرسیدن سوالات ذیل آغاز کردند.  
(شاملو، ۱۳۸۲، ص ۵۳)

جرم چه تاثیری بر شخصیت انسان می گذارد؟

ریشه های روانشناختی جرم کدام است؟

چگونه می توان از وقوع این پدیده جلوگیری کرد؟

درمان شخصیت تبهکار چگونه امکان پذیر است؟

در جواب به چنین سوالات و مشابه آن روانشناسی با نگرش به ابعاد شخصیت انسان، سرگذشت تحولات اجتماعی و خانواده، مطالعات و تحقیقات عمیق را انجام دادند. گرچه ریشه جرم و جنایت را می توان از تاریخ وجود آدم و حوا جرم آغاز شد. از آن لحظه دردناک تاریخی به این سو، جنایت همان جنایت باقی ماند. اما همواره رنگ عوض کرد و سایه خود را بر گستره گیتی افکند. به گفته نلسون «ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یک جامعه بر اساس طبیعت انسان ها، تمایلات و توانایی های آنها بنا شده است» (شاملو، ۱۳۸۲، ص ۵۳)

بسیاری از روان شناسان و روانکاوان علل رفتار جنایی را بر حسب نقض شخصیت مجرم می دانند و آنان به این باورند که برخی از گونه های شخصیتی بیشتر از گونه های دیگر گرایش به تبهکاری و ارتکاب جرم دارد. یعنی شخصیت انسان در وضعیت های گوناگون اجتماعی تحت تاثیر پدیده های جرم از طرف دیگران قرار گرفته و یا این که تمایلات انسان از محدوده خود خارج می شود و شخص دست به ارتکاب جرم و جنایت می زند. (شاملو، ۱۳۸۲، ص ۵۳).

شاید بتوان شخصیت را اساسی ترین موضوع علم روان شناسی دانست. لغت شخصیت که در زبان لاتین (Personalite) و در زبان انگلوساکسون (personality) خوانده می شود، ریشه در کلمه لاتین پرسونا (persona) دارد. این کلمه به نقاب یا ماسکی گفته می شود که در یونان قدیم، بازیگران تئاتر بر چهره خود می زدند. (شاملو، ۱۳۸۲، ص ۵۱)

بنابراین مفهوم اصلی و اولیه شخصیت، تصویری ظاهری و اجتماعی است که بر اساس نقشی که فرد در جامعه بازی می کند، قرار دارد. یعنی در واقع، فرد به اجتماع خود شخصیتی را ارایه می دهد تا جامعه بر اساس آن وی را ارزیابی کند. (شاملو، ۱۳۸۲، ص ۵۱)

شخصیت در یک معنای کلی، یعنی جنبه های بی همتا و نسبتاً پایدار درونی و بیرونی منش، فرد، که در موقعیت های مختلف بر رفتار وی تاثیر می گذارند. (شاملو، ۱۳۸۲، ص ۵۱)

عدم توافق روان شناسان درباره ماهیت شخصیت، به اختلاف نظرهای زیادی درباره واژه شخصیت انجامیده است که در این تحقیق می خواهیم نیم نگاهی به تعاریف موجود داشته باشیم. (شولتز، به نقل از یوسفی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۱۶۰-۱۵۶)

شخصیت، یعنی منش، خصوصیات و تا حدی الگوهای واکنش رفتاری قابل پیش بینی که هر فردی چه به صورت خودآگاه و چه به صورت ناخودآگاه، به عنوان سبک و شیوه های زندگی از خود نشان می دهد. به عبارت دیگر، به مجموعه صفات هیجانی، رفتاری، منش و خصوصیتی که در شرایط معمولی معرف شخص بوده و برای هر فردی نسبتاً ثابت و قابل پیش بینی است، شخصیت اطلاق می شود. به نظر وی، شخصیت از دو عامل اصلی تشکیل شده است. (شولتز به نقل از یوسفی همکاران، ۱۳۸۴، ص ۱۶۰-۱۵۶)

#### ۱. خصوصیات ارثی

#### ۲. تجارب زندگی، به خصوص تجارب سال های اولیه زندگی

برداشت های متفاوت از مفهوم شخصیت به وضوح نشان می دهد که با گذشت زمان، معنای شخصیت از مفهوم اولیه آن که تصویری ظاهری و اجتماعی بود، بسیار گسترده تر شده است. در حال حاضر، شخصیت به روند اساسی و پایدار فرد انسانی اطلاق می شود. در اکثر تعاریف، بر وجود تفاوت های شخصیتی بین افراد تاکید شده است. در لغت شخصیت، این معنا مستتر است که، هر فرد واحدی منحصر به فرد است و هیچ شخص دیگری را نمی توان یافت که کاملاً شبیه او باشد. با مطالعه شخصیت افراد، خصوصیتی که بر اساس آن، فردی از فرد دیگر متمایز می گردد، روشن می شود. (شولتز، به نقل از یوسفی همکاران، ۱۳۸۴، ص ۱۶۰-۱۵۶)

#### ۳- تیپ شناسی مجرمین



دانشمندان در لزوم طبقه بندی شخصیت ها اتفاق نظر دارند زیرا این عمل موجب تسهیل تحقیق و کلیت یافتن «یعنی جنبه علمی پیدا کردن معلومات به دست آمده می شود.» (حسینی، ابوالقاسم، ۱۳۵۹، ص ۲۱۳)

تیپ از کلمه یونانی توپوس به معنای نقش و اثر گرفته شده است و در اصطلاح به معنای مجموعه ای از صفات و خصوصیات که معمولا هم بدنی هستند و هم روانی و سبب تمایز میان انسان ها می شود است. (همان منبع)

تیپ بیشتر مفهومی انتزاعی است یعنی صفات و ویژگی هایی را که دانشمندان دیده اند گروهی از آدمیان در آن اشتراک دارند جدا کرده و در این قالب لفظی جای داده اند. از آن پس افرادی که واجد آن صفات هستند قطع نظر از اختلافاتشان عنوان آن تیپ را پیدا می کنند.

دانشمندان معمولا طبقه بندی تیپ ها را معمولا به دو طریق انجام داده و می دهند:

- دسته اول کسانی که از ویژگی های جسمی پی به خصوصیات روانی می برند.
- دسته دوم: کسانی که صفات روانی را مدنظر قرار داده و بر مبنای آن تیپ ها را طبقه بندی می کنند.

#### ۴- تشکیل پرونده شخصیت

در تعریف شخصیت باید گفت: «عنصر ثابت رفتار فرد، شیوه بودن او و به طور کلی آن چه همراه با او است و موجب تمایز او از دیگران می شود.» (گنجی، حمزه، ۱۳۸۶، ص ۳۰۸)

در تعریف پرونده شخصیت باید گفت: مجموع تحقیقات و بررسی ها و آزمایش هایی که برای شناسایی بزهدکاران به کار می رود، ابرواسیون می گویند. (ابراهیمی، ابراهیم، ۱۳۸۹، ص ۸۷)

## نتیجه گیری و پیشنهادات

- ۱- تغییر و اصلاح نگاه به مبانی پیدایش جرم و شناخت حقیقی از شخصیت فرد بزهکار
- ۲- در هر فرایند دادرسی و روند اصلاح و درمان بزهکار باید در دستگاه های قضایی دارای واحد های مدیریت هستند باشد.
- ۳- لزوم استفاده بیشتر از مشاوران مذهبی در روند فرآیند دادرسی های کیفری و جزایی و تبعیت از قانون و شرع مقدس اسلام.
- ۴- لزوم تشکیل پرونده شخصیت در کنار پرونده های جزایی هر فرد بزهکار در جهت شناخت بهتر متهم به خصوص برای قضات در ارتباط با صدور رای.
- ۵- لزوم گذراندن دوره های روان شناسی قضایی برای کلیه قضات به منظور شناسایی درست بزهکار در جهت برخورداری صحیح، در راستای اصلاح و درمان مجرم.
- ۶- از نظر روان شناسان جنایی به علت ارتباطی که بین شخصیت و جرم است در تمام مراحل دادرسی به لزوم تشکیل پرونده شخصیت دارد و نه اینکه فقط در مرحله اجرای مجازات یعنی مرحله آخر پرونده تشکیل شود.
- ۷- بررسی و مطالعات بیشتر برای پیدایش راهکار و روش های اصلاح و درمان مجرمانی که دارای اختلال شخصیت است تا در جهت بازسازی شخصیتی اینگونه افراد پیدا شد.

## منابع

- حسینی، ابوالقاسم (۱۳۵۹)، روانشناسی بالینی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۱)، میرزایی، بهشته، پازند، افسانه، روان شناسی جنایی، تهران، آوای نور.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۳)، شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات ژوبین.
- شاملو، سعید (۱۳۷۲)، مکتب ها و نظریه ها در روانشناسی شخصیت، تهران، انتشارات رشد.
- شولتز، دوان (۱۳۸۴)، به نقل از یوسفی همکاران، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سمت.
- قبله ای خویی، خلیل (۱۳۸۷)، ویژگی های شخصیتی مجرمین خطرناک، نشریه کارآگاه، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۳، صفحات ۲۱-۳۸.
- کی نیا، مهدی (۱۳۸۵)، مبانی جرم شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۱)، حقوق جزای عمومی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- گنجی، علی (۱۳۸۶)، روانشناسی عمومی، تهران، نشر ساولان.
- ویلیافر، تونی (۱۹۹۵)، ترجمه مهدی کی نیا، مقدم هایی بر جرم شناسی، تهران، انتشارات مترجم.